نگاهی جامع

به رفتارهای ضدحقوق بشری آمریکایی

تیرماه 1395



**فهرست**

[مقدمه 4](#_Toc448297806)

[عناوین روزهای هفته حقوق بشر آمریکایی در سال 95 6](#_Toc448297807)

[1-حقوق بشر آمریکایی و حمایت از تروریسم 7](#_Toc448297808)

[حقوق بشر آمریکایی مفهومی نژادپرستانه علیه مسلمانان با اتهام تروریسم 7](#_Toc448297809)

[اقدامات آمریکا علیه تروریسم، سرپوشی برای همه اقدامات غیر انسانی 7](#_Toc448297810)

[بی توجهی بوش به دفاع از حقوق بشر 8](#_Toc448297811)

[اولویت حفظ منافع آمریکا در سودان بر حفظ حقوق بشر 8](#_Toc448297812)

[حمایت از حکام مستبد به دلیل حفظ منافع 8](#_Toc448297813)

[سکوت سازمان های جهانی در برابر استفاده از گاز خردل در جنگ ایران و عراق 8](#_Toc448297814)

[2 - حقوق بشر آمریکایی و عدم الحاق به کنواسیون های حقوق بشر 9](#_Toc448297815)

[تبعیض محاکمه در آمریکا ، به دلیل نژاد و مذهب 9](#_Toc448297816)

[توسل به شکنجه برای به دست آوردن اطلاعات در آمریکا 9](#_Toc448297817)

[شکنجه و کتک ؛ وضعیت اسرا در آمریکا 9](#_Toc448297818)

[نقص کنوانسیون های 1949 ژنو 10](#_Toc448297819)

[توجیه وضعیت غیر قانونی اسرا در زندان های آمریکا 10](#_Toc448297820)

[عدم توجه آمریکا به حقوق بشر باعث انحراف آن خواهد شد 10](#_Toc448297821)

[اهرم قدرت و سیاست اولویت رسیدن به خواسته های آمریکا 10](#_Toc448297822)

[حقوق و قوانین بین الملل جعبه ابزار سیاستگذاران آمریکا 10](#_Toc448297823)

[نقص حاکمیت دولت ها با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین 11](#_Toc448297824)

[سیاه نمایی در مورد زندانیان گوانتانامو 11](#_Toc448297825)

[شکنجه زندانیان در آمریکا 11](#_Toc448297826)

[تقاضای سازمان های مختلف غیر دولتی و جامعه مدنی بین المللی برای عضویت در کنواسیون ها 12](#_Toc448297827)

[آمریکا سعی در گریز از نظارت بین المللی دارد 12](#_Toc448297828)

[3 - حقوق بشر آمریکایی و تولید سلاح های شیمیایی و میکروبی 12](#_Toc448297829)

[ادعاهای پوشالی آمریکا در مبارزه با سلاح های میکروبی و شیمیایی 12](#_Toc448297830)

[در اختیار گذاشتن سلاح های شیمیایی به عراق در جنگ تحمیلی 13](#_Toc448297831)

[عدم تلاش برای تعطیل کردن کارخانه تولید سلاح شیمیایی در عراق 13](#_Toc448297832)

[سکوت مجامع جهانی در برابر استفاده صدام از سلاح های شیمیایی 13](#_Toc448297833)

[استفاده از سلاح های شیمیایی توسط آمریکا در نقاط مختلف جهان 14](#_Toc448297834)

[4 - حقوق بشر آمریکایی و امپراتوری رسانه ای 15](#_Toc448297835)

[سکوت رسانه های دنیا در برابر نسل کشی میانمار 15](#_Toc448297836)

[پایان امپراطوری رسانه‌ای آمریکا نزدیک است 15](#_Toc448297837)

[سانسور اخبار و گزارشات 15](#_Toc448297838)

[توجیه افکار عمومی در مورد 11 سپتامبر از طریق رسانه ها 16](#_Toc448297839)

[سامانه تحریفگر افکار عمومی در کاخ سفید 16](#_Toc448297840)

[القاء شکست به لیبیائی ها 16](#_Toc448297841)

[5 - حقوق بشر آمریکایی و سیطره بر کشورها ( از نفوذ تا کودتا) 16](#_Toc448297842)

[نقص حاکمیت دولت ها با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین 17](#_Toc448297843)

[هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی ؛ ابزاری مسئله ساز در عرصه حقوق بشر 17](#_Toc448297844)

[افزایش حملات هواپیماهای بدون سر نشین آمریکا 17](#_Toc448297845)

[حملات هواپیماهای آمریکایی نقص قوانین بین المللی است 18](#_Toc448297846)

[جاسوسی و شنود گسترده از شهروندان کشورهای جهان در آمریکا 18](#_Toc448297847)

[تجاوز به حریم خصوصی شهروندان 18](#_Toc448297848)

[کودتا 28 مرداد در ایران بر علیه مصدق 18](#_Toc448297849)

[نفوذ در کشورها توسط آمریکا از طریق حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی 19](#_Toc448297850)

[تلاش جهت استخدام نیروهای نفوذی آمریکا در سازمان های حقوق بشری 20](#_Toc448297851)

[6 - حقوق بشر آمریکایی و صلح و امنیت جهانی 20](#_Toc448297852)

[بازداشت بدون اتهام افراد در گوانتانامو 20](#_Toc448297853)

[دستگیری غیر عادی و بدون طی مراحل قانونی 21](#_Toc448297854)

[عدم جبران خسارت حقوق قربانیان دستگیر شده 21](#_Toc448297855)

[بهانه عدم صدور روادید از سوی آمریکا 22](#_Toc448297856)

[تحریم های ظالمانه بر علیه ایران 22](#_Toc448297857)

[7. حقوق بشر آمریکایی و جنایات کشتار جمعی 22](#_Toc448297858)

[قتل عام سرخ پوست ها 23](#_Toc448297859)

[کشتار جمعی وحشتناک آمریکا در جنگ جهانی دوم 23](#_Toc448297860)

[کشتار 5 میلیون نفر در جنگ ویتنام 23](#_Toc448297861)

[حمله به عراق و تجاوز و قتل عام مردم 24](#_Toc448297862)

[سرنگونی هواپیمای مسافر بری ایران و کشته شدن تمام سرنشین های آن 24](#_Toc448297863)

# **مقدمه**

حقوق بشر از موضوعات مهم، تاثیرگذار و همچنین چالش برانگیز در عرصه بین المللی است. جمهوری اسلامی با الهام از آموزه های دین مبین، انسان ساز و رهایی بخش اسلام که توجه به کرامت ذاتی و ارزش های والای انسانی از بنیان های فکری و تاثیرگذار بر نظام حقوقی آن می باشد، پیوسته تلاش کرده است که با هدف حفظ ارزش و کرامت انسانی از منظر تقنین، اجراء و سیاست های کلی این مهم را مورد امعان نظر خاص قرار دهد .

از طرف دیگر، متناظر با قریب چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، حقوق ملت ایران همواره از سوی کشورهای مدعی حقوق بشر نقض شده است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران همگام با پیشرفت ها و دستاوردها در حوزه حقوق بشر، از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون قربانی نقض حقوق بشر به طور گسترده نیز بوده است. شهادت 17 هزار نفر انسان بی گناه در اثر اقدامات تروریستی، شهادت بیش از 200 هزار نفر و مجروحیت بیش از 700 هزار نفر در جریان جنگ تحمیلی هفت ساله، شهادت بیش از 13 هزار نفر و مجروحیت بیش از 100 هزار نفر در اثر کاربرد سلاح های شیمیایی، شهادت بیش از 4 هزار نفر از ماموران نیروی انتظامی و مرزی در راه مبارزه با مواد مخدر، و نقض گسترده حقوق ملت ایران در اثر تحریم های ظالمانه و غیرقانونی تنها برخی از این مصادیق می باشند. نکته مهمی که نباید از آن غافل شد، این است که این اقدامات یا با مداخله و حمایت مستقیم یا غیرمستقیم مدعیان دروغین حقوق بشر به ویژه آمریکا صورت گرفته اند.

در این راستا، مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خانواده های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده های دارای چند شهید استان تهران با معظم له، با اشاره به اقدامات کشورهای غربی و خاصه آمریکا در تصمیم سازی و نیز برخی موارد نقض حقوق بشر در ایران، سخنان تاثیرگذاری را ایراد فرمودند.

معظم له افشاء شدن چهره واقعی قدرتهای استکباری مدعی حقوق بشر را از جمله برکات خون شهدای هفتم تیر برشمردند و خاطرنشان کردند: همان کسانی که مرتکب جنایت هفتم تیر شدند، اکنون آزادانه در اروپا و آمریکا فعالیت و با مسئولان این کشورها دیدار می کنند و حتی برای آنها جلسات سخنرانی با موضوع حقوق بشر! گذاشته می شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه چنین برخوردهایی نشان از اوج نفاق و دورویی و خباثت مدعیان حقوق بشر دارد، فرمودند: کشور ما دارای هفده هزار شهید ترور است که اغلب آنان مردم عادی اعم از کاسب، کشاورز، کارمند، استاد دانشگاه و حتی زنان و کودکان هستند، اما عاملان همه این ترورها آزادانه در کشورهای مدعی حقوق بشر حضور دارند.

مقام معظم رهبری شناخت دشمن را یکی دیگر از نیازهای اساسی امروز برشمردند و با هشدار درباره برخی تلاش ها در بزک کردن تبلیغاتی و رسانه ای چهره جنایتکار دشمن، به برخی نمونه های اقدامات تروریستی آمریکا و عوامل آن علیه ملت ایران اشاره کردند.افزودند: برخی معتقدند که باید این ایام تیرماه به عنوان «هفته حقوق بشر آمریکایی» نام گذاری شود.

جریان مردمی خودجوش، مومن و انقلابی ایران اسلامی همانند همیشه سعی کرده است این دغدغه مقام معظم رهبری را ورد توجه و پیگیری قرار دهد.از این رو اقدامات گوناگون فرهنگ ساز و گفتمان ساز در قالب های مختلف هنری،رسانه ای و تبیلغی ترویجی در حال شکل گیری است تا از ششم تا دوازدهم تیرماه را به عنوان هفته حقوق بشر آمریکایی، در اذهان مردم تثبیت نماید و به این بهانه بخشی از اقدامات ضد حقوق بشری آمریکای جهان خوار را مورد تبیین و روشنگری قرار دهد.

در نوشتار حاضر سعی شده است به تناسب مناسبت های این هفته، یکی از عناوین ضد حقوق بشر آمریکا انتخاب شود تا روشنگری در این باره ه صورت هماهنگ صورت گیرد . همچنین سعی شده است و هر یک از عناوین مورد تبیین و توضیح قرار گیرد.

**عناوین روزهای هفته حقوق بشر آمریکایی در سال 95 :**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **روز** | **مناسبت ویژه** | **عنوان اصلی** | **عنوان استعاره‌ای** |
| ششم تیرماه | ترور نافرجام حضرت آیت الله خامنه ای در مسجد ابوذر | حقوق بشر آمریکایی و حمایت از تروریسم | دیپلماسی آمریکایی |
| هفتم تیرماه | انفجار حزب جمهوری و شهادت شهید بهشتی و جمعی از چهره های شاخص سیاسی  (شهادت حضرت علی علیه السلام و روز قوه قضائیه) | حقوق بشر آمریکایی و عدم الحاق به کنوانسیون‎های حقوق بشری | عدالت آمریکایی |
| هشتم تیرماه | بمباران شیمیایی و میکروبی مناطق مسکونی شهر سردشت توسط بمب‎افکن‎های عراقی(روز مبارزه با سلاح های شیمیایی و میکروبی) | حقوق بشر آمریکایی و تولید و حمایت از سلاح های شیمیایی و میکروبی | وجدان آمریکایی |
| نهم تیرماه |  | حقوق بشر آمریکایی و امپراطوری رسانه ای | صداقت آمریکایی |
| دهم تیرماه | تصویب عملیات آژاکس توسط آمریکا جهت عملیاتی کردن کودتای 28 مرداد | حقوق بشر آمریکایی و سیطره بر کشورها (از نفوذ تا کودتا) | رفاقت آمریکایی |
| یازدهم تیرماه | بزرگداشت روزجهانی قدس | حقوق بشر آمریکایی و صلح و امنیت جهانی | صلح آمریکایی |
| دوازدهم تیرماه | حملۀ ناوگان آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس ( روز افشای حقوق بشر آمریکایی) | حقوق بشر آمریکایی و جنایات کشتار جمعی | انسانیت آمریکایی |

# 

# 1-حقوق بشر آمریکایی و حمایت از تروریسم

حقوق بشر در سالهای اخیر آن طور که در منشورهای سازمان ملل تعریف شده است، مفهوم درستی ندارد و حتی می‌توان گفت مفهوم حقوق بشر به طور عمد از سوی غرب – به ویژه ایالات متحده آمریکا - تحریف و تغییر یافته است و معنای واقعی آن از بین رفته است. به دیگر سخن حقوق بشر به علت غرق شدن آن در ایدئولوژی‌ها و سیاست‌های خصمانه و نژاد پرستانه‌ای که در جهت خدمت به منافع آمریکا و متحدانش در منطقه و به ویژه اسراییل است، مفهومی مبهم و نامشخص است.

همین مسئله جامعه جهانی و سازمان‌های جامعه مدنی را عاجز و ناتوان در جلوگیری از نقض‌های گسترده ای که در حوزه حقوق بشر صورت می‌گیرد، ساخته است. البته این امر بعد از محکم شدن پایه‌های منطق قدرت و دشمنی و قرار دادن مفاهیم حقوق بشر، عدالت و مساوات تحت تسلط قدرت‌های جهان پررنگ‌تر شده است.

* **حقوق بشر آمریکایی مفهومی نژادپرستانه علیه مسلمانان با اتهام تروریسم**

آمریکا و اسراییل از طریق اقدامات خصمانه مفهوم عادی حقوق بشر را تحریف نموده، بگونه‌ای که کشورها باید مجدداً به باز تعریف مفهوم حقوق بشر بپردازند تا مفهومی جدید و بدور از تسلط آنها و بدور از اهداف آن‌ها به جهان عرضه شود. در واقع آمریکا و غرب مفهوم حقوق بشر را به مفهوم نژاد پرستی علیه اعراب و مسلمانان تبدیل ساخته اند.از نظر آمریکایی‌ها، اعراب و مسلمانان افراد افراطی و تروریسم هستند و هیچ مانعی برای کشتن آن‌ها و قتل عام آن‌ها وجود ندارد؛ حال مهم نیست آمریکا در این راستا تا چه حد موازین بین المللی را رعایت کند. نمونه بارز این موضوع جنگ 22 روزه غزه بود که طی آن ساکنان نوار غزه توسط صهیونیستها قلع و قمع شدند و اسراییل و آمریکا جنایت‌های اسراییل را دفاع از خود قلمداد کردند و اجازه ندادند این جنایت‌ها در چارچوب کشتار دسته جمعی، جنایت‌های جنگی و نقض حقوق بشر درج شود .

* **اقدامات آمریکا علیه تروریسم، سرپوشی برای همه اقدامات غیر انسانی**

از زمان شروع جنگ با تروریسم و تلاش های صورت گرفته توسط دولت بوش به منظور ساختن ائتلاف «با ما یا علیه ما»، همه روابط و سیاستهای بین المللی شکل جدیدی به خود گرفته است. بسیاری از روابط دو جانبه در زمان عمل تغییر شکل داده بودند. روابط با پاکستان، روسیه ،چین و ازبکستان به طور قابل توجهی بهبود یافته است؛ در حالی که منافع استراتژیک بر نگرانیهای مربوط به حقوق بشر یا دموکراسی سازی مستولی شده است. این تغییر باعث افزایش نگرانیهای فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران، سیاستمداران و .... شده است. این در حالی است که ریچارد پرل – یکی از مقامات سابق پنتاگون – می گوید: «که من امیدوارم که ما برای محافظت از خودمان دست به اشتباه نزده و قواعد اصول را زیر پا نگذاریم.»

تاثیر این اتحادهای جدید بر حقوق بشر و معیارهای دموکراتیک در سیاست خارجی ایالات متحده چه بوده است؟ استنباط طرفداران حقوق بشر این است که تعدادی از کشورها از جمله چین، هندوستان، اندونزی، سنگاپور، مالزی، روسیه، ازبکستان و اسرائیل از اقدامات ایالات متحده علیه تروریسم به عنوان سرپوشی برای همه اقدامات غیر انسانی استفاده می کنند. برای مثال نیروهای اتحاد شمال، قوانین جنگ را نقض کرده و اسرای طالبان را کشتند.

* **بی توجهی بوش به دفاع از حقوق بشر**

شواهد موجود نشانگر آن است که دفاع از حقوق بشر در جنگ بوش علیه تروریسم کاملاً مورد بی توجهی قرار گرفته است و احتمال اینکه در آینده نزدیک هدف اصلی سیاست داخلی یا خارجی ایالات متحده باشد بسیار کم است. با درنظر گرفتن این واقعیت، بایستی قدرت دیگری رهبری و حمایت از این نهضت را بر عهده گیرد. این قدرت ترکیبی از کسانی است که همواره به دنبال دفاع از حقوق بشر بوده اند.

* **اولویت حفظ منافع آمریکا در سودان بر حفظ حقوق بشر**

در جریان بحران دارفور در سودان که به کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر و آواره شدن دو و نیم میلیون نفر دیگر انجامید، ایالات متحده به دلیل اینکه منافع "ژئواستراتژیک" مهمی در سودان داشت، هیچ واکنشی نسبت به این رخداد نشان نداد . منافع واشنگتن در سودان، حول نفت و مبادلات اطلاعاتی بود به همین دلیل ایالات متحده تمایل داشت در راستای "مبارزه با تروریسم"، سودان جزو متحدینش باقی بماند.

* **حمایت از حکام مستبد به دلیل حفظ منافع**

در عراق و افغانستان شاهد بودیم که آمریکا به بهانه های واهی، بصورت یکجانبه دست به مداخله می زند و بدون مجوز شورای امنیت، و با نقض موازین حقوق بین الملل، به این کشورها حمله نظامی می کند ولی در کشورهایی مانند یمن و بحرین، چون منافعش ایجاب نمی کند دست به مداخله نمی زند و از حکام جور حمایت می کند.

* **سکوت سازمان های جهانی در برابر استفاده از گاز خردل در جنگ ایران و عراق**

وقتی عراق در ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۹ با سلاح شیمیایی منطقه جنوب استان خوزستان را در هم کوبید و در مقابل سکوت مجامع سازمان مللی، چهار بار دیگر ظرف یکسال از گاز خردل در سطح وسیع استفاده کرد و مورد هیچ اعتراض سازمان های جهانی قرار نگرفت، جرات یافت تا دهها بار دیگر دین حرکت را تکرار و اعتبار سازمان ملل و ادعاهای دروغین قدرتهای مدعی را به مسخره بگیرد.

**2 - حقوق بشر آمریکایی و عدم الحاق به کنواسیون های حقوق بشر**

* **تبعیض محاکمه در آمریکا ، به دلیل نژاد و مذهب**

به منظور حفظ منافع امنیت ملی و امنیت قضات، بوش در 13نوامبر 2001 دستور تاسیس دادگاههای نظامی سری را برای محاکمه اعضای القاعده و اشخاص دیگر متهم بر اعمال تروریستی صادر کرد. این اقدام بوش که با سیستم دادگاه ایالات متحده و قوانین بین المللی در تناقض بود؛ از نظر سیاسی و قانونی بسیار بحث انگیز بوده است. تعداد کمی از اعضای حزب چپ و راست و بسیاری از اروپائیان این عمل بوش را محکوم کردند. وکلای نظامی نیز از این دستور بوش ناراضی بودند، برای اینکه می دانستند این کار درست نیست.

آن ماری اسلاتر در این زمینه گفت :«چنین محاکمه هایی می تواند هویت امریکائیان را به عنوان یک ملت زیر سئوال ببرد.»دستگیری افرادی که از خاورمیانه وارد ایالات متحده شده اند؛ همزمان با تاسیس دادگاههای نظامی ، جان اشکرافت – دادستان کل با کمک اف بی آی وارد عمل شد. وزارت دادگستری با انتشار اسامی5000 نفر از مردان جوانی که از سال 2000 به بعد از خاورمیانه وارد ایالات متحده شده بودند، آنها را برای بازجویی احضار کرد.این اقدام نگرانیهایی را از قبیل تبعیض در محاکمه به خاطر نژاد، مذهب و ... به وجود آورد. وکلای امور مهاجرت و طرافداران حقوق بشر به کرات در خصوص نقض حقوق این اشخاص بازداشت شده انتقاد می کردند. عفو بین الملل نیز با انتشار گزارش نگرانی خود را درخصوص نقض آزادیهای مدنی بین المللی ابراز داشت.

* **توسل به شکنجه برای به دست آوردن اطلاعات در آمریکا**

زمانی که بعضی از مطبوعات از ناتوانی بازجویان در به حرف آوردن بازداشت شدگان مظنون به اعمال تروریستی سخن به میان آوردند، بحث در مورد جنگ با تروریسم به پائین ترین سطح خود رسید. بعضی از بازجویان اظهار می دارند که شاید برای بدست آوردن اطلاعات لازم درخصوص حملات 11 سپتامبر و نقشه های آتی تروریستها؛ مجبور باشیم که آزادیهای مدنی سنتی را کنار گذاشته و به شکنجه متوسل شویم . اما بایستی اذعان داشت که شکنجه به هر حال نقض حقوق بشر است.

* **شکنجه و کتک ؛ وضعیت اسرا در آمریکا**

یکی از ماموران اف بی آی می گوید:«به خاطر دلایل انسانی شما نمی توانید به شکنجه متوسل شوید. اما ممکن است به مرحله ای برسید که چاره ای جز این نداشته باشید؛ اما من فکر نمی کنم که این کشور هرگز اجازه شکنجه یا کتک به بازداشت شدگان را بدهد.» این مامورها در ادامه می گوید: «اگر حمله دیگری همانند حمله 11 سپتامبر به خاک امریکا صورت گیرد؛ مردم امریکا قطعاٌ چنین اجازه ای را به بازجویان خواهند داد.»دیپلماتها، قانون گذاران و تحلیلگران به طور علنی از واشنگتن انتقاد می کنند و مقامات دیگر اتحادیه اروپا و سازمانهای غیر دولتی از قبیل صلیب سرخ، ایالات متحده را درخصوص وضعیت فیزیکی و قانونی اسرا زیر سئوال می برند.

* **نقص کنوانسیون های 1949 ژنو**

وکلای بین المللی، فعالان حقوق بشر و دول خارجی شکنجه اسرا را نقض کنوانسیونهای 1949ژنو می دانند، که درآن آمده است که وضعیت اسیر جنگی بایستی توسط یک دادگاه شایسته مشخص شود نه توسط اعضای ارتش. رهبران کشورهای دموکراتیک مسئول هستند که به گفته های خود عمل کنند. سیاست ملی بایستی بر ارزشهای انسانی احترام گذاشته و حتی با دشمنان نیز طبق قانون رفتار کند، در غیر این صورت دموکراسی از مسیر خود منحرف می شود.

* **توجیه وضعیت غیر قانونی اسرا در زندان های آمریکا**

دولت بوش در واکنش انتقادات فزاینده در زمینه وضعیت اسرا در زندان های آمریکا از خود نرمی نشان داد اما چنین اظهار می دارد : « روش هایی که در دادگاههای نظامی به کارگرفته می شوند، هر چند هم خشونت آمیز باشند اما در مقایسه با سیستم بن لادن و طالبان بسیار منصفانه خواهند بود. زندانیانی که در بازداشت ما هستند در مقایسه با شهروندان امریکایی حاضر در مرکز تجارت جهانی و پنتاگون که هدف حمله بن لادن قرار گرفته در وضعیت بسیار خوبی خواهند بود. »

* **عدم توجه آمریکا به حقوق بشر باعث انحراف آن خواهد شد**

البته از آنجائی که ایالات متحده اولویت های دیگری را دارد، نمی توان گفت که عرصه حقوق بشر به پایان رسیده است. اما مساله مهم این است که اگر واشنگتن از راه خود منحرف شود. این نهضت (حقوق بشر) در اصل دولتی را از دست می دهد که قدرتش برای متوقف کردن نقض حقوق بشر لزومی است.

* **اهرم قدرت و سیاست اولویت رسیدن به خواسته های آمریکا**

آمریکا کشوری است که مقررات و قوانین حقوق بین الملل را، در جاهایی که با منافع او در تضاد باشد، نادیده می گیرد و از اهرم قدرت و سیاست در جهت تامین خواسته های خود استفاده می کند. بسیاری از قوانین حقوق بین الملل، به ویژه قواعد حقوق بشری در سیاست ها واقدامات مقامات آمریکایی، جایی ندارد و برای آنان رسیدن به هدف که همان تامین منافع آنان است، با هر وسیله ای، ارجحیت دارد.

* **حقوق و قوانین بین الملل جعبه ابزار سیاستگذاران آمریکا**

با نگاهی به جنایات ضد بشری آمریکا می توان به این مطلب پی برد که در مشی آمریکایی ها حقوق بین الملل و به طور کلی سازمانها و نهادهای بین المللی مانند جعبه ابزارهایی تلقی می شوند که سیاستگذاران واشنگتن در صورت لزوم می توانند از آن استفاده کنند. در واقع یکی از عناصر استراتژی کلان آمریکا بی توجهی نسبت به حقوق بین الملل و هنجارهای چندجانبه و توافقاتی است که توسل به زور را محدود می کند. آمریکا، به بهانه های مختلف قوانین حقوق بین الملل را نادیده گرفته وسعی در پیش بردن خواسته های خود، به هرطریق ممکن می نماید.

* **نقص حاکمیت دولت ها با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین**

استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نقض آشکار بنیادی ترین قاعده حقوق بین الملل می باشد. موضوعی که نشان می دهد در نظام بین الملل معاصر این قدرت است که قانون را می سازد و معیارهای بین المللی و قراردادها نه برای آمریکا بلکه فقط برای رقبا مصداق می یابد. این همچنین بدان معناست که آمریکا از حقوق بین الملل، توافقنامه ها و عرف های پذیرفته شده بین المللی صرفاً در جهت کنترل دیگر قدرت ها استفاده می نماید و همزمان خواستار این امر است که حاکمیت مطلق این کشور مورد احترام قرار گیرد.

* **سیاه نمایی در مورد زندانیان گوانتانامو**

قبلاً آمریکا در مورد زندانیان گوانتانامو اصرار می کرد که این افراد نه تابع قواعد حقوق بشر قرار دارند و نه تابع موازین حقوق بشردوستانه هستند. به عبارتی این افراد در منطقه ای عاری از حقوق بین الملل سکنی گزیده اند و کاملا تحت سیطره قوانین و مقررات ایالات متحد آمریکا قرار گرفته اند. ولی تحت فشارهای بین المللی مختلف مانند کمیته منع شکنجه، سازمان عفو بین الملل و کمیته صلیب سرخ، آمریکا ناچار شد که از مواضع خود عقب نشینی نماید و برای اولین بار تأیید نماید که آمریکا زندانیان گونتانامو را تحت پوشش قواعد حقوق بشر و بشردوستانه قرار می دهد. قبلاً کمیته حقوق بشر نیز بارها هم در مورد گوانتانامو هم در مورد افراد تحت بازداشت آمریکا در افغانستان و عراق نگرانی شدید خود را اعلام کرده بود.

* **شکنجه زندانیان در آمریکا**

طبق مقررات حقوق بین الملل شکنجه تحت هر شرایطی ممنوع است و هر گونه دعوی مرتبط با شکنجه باید مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرد و مرتکبان آن باید مجازات شوند. شکنجه، به موجب ماده ۵ وبند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، وماده ۷ میثاق حقوق مدنی وسیاسی ممنوع شده است.

ابوزبیده، حداقل ۸۳ بار توسط سازمان سیا با روش غرق شدن مصنوعی مورد شکنجه قرار گرفته است و در نهایت وی در اثر خفگی در آب از بین رفته است.

در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۲ گل رحمان از پی دستور یکی از افسران سازمان سیا مبنی بر اینکه او را به زمینی بتونی ببندند، تمام طول شب را بدون هیچ پوششی در یکی از زندان‌های افغانستان که سالت پیت نام داشت سپری کرد و در اثر انجماد، جان خود را از دست داد.

* **تقاضای سازمان های مختلف غیر دولتی و جامعه مدنی بین المللی برای عضویت در کنواسیون ها**

سازمانهای غیردولتی و جامعه مدنی بین المللی در گزارشهای خود از آمریکا درخواست کردند به کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مورخ ۱۹۷۹، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورخ ۱۹۶۹ و کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ ملحق شود. برخی دیگر از نهادهای بین المللی حقوق بشر در گفتگوهای متقابل اصرار داشتند که آمریکا به اساسنامه دیوان بین المللی کیفری ملحق شود و عده ای دیگر مانند کمیته عفو بین الملل و کمیسیون بین المللی حقوقدانان از آمریکا درخواست داشتند که این دولت برای تعهدات بین المللی خود در زمینه حقوق بشر جنبه فرامرزی قائل شود. و عملیات نیروهای آمریکایی در خارج از کشور به خصوص اقداماتی که سازمان سیا در سرکوب تروریسم در خارج از مرزهای آمریکا انجام می دهد را تابع تعهدات خویش ناشی از حقوق بشر قلمداد نماید. عده ای دیگر مانند کمیته صلیب سرخ اصرار داشتند که آمریکا در مخاصمات مسلحانه ای که در آن درگیر است به اعمال متقارن و همزمان قواعد حقوق بشر و بشردوستانه کمر همت بندد.

* **آمریکا سعی در گریز از نظارت بین المللی دارد**

دولت آمریکا از جمله دولتهایی است که تلاش کرده کمتر در مکانیسم های حقوق بشر گرفتار شود. ایالات متحده آمریکا هم در سطح منطقه ای و هم در سطح جهانی نیروی بسیار قوی برای گریز از نظارت بین المللی داشته است. در سطح جهانی نه پروتکل الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد صلاحیت کمیته حقوق بشر در رابطه با شکایات افراد را مورد تصویب قرار داده است و نه به عضویت دیوان بین المللی کیفری در آمده است و حتی در اقدامی نمادین امضای خود را مسترد نمود. از سوی دیگر آمریکا در سطح منطقه ای نیز به عضویت کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (کنوانسیون سان خوزه مصوب ۱۹۶۹) در نیامده است و به تبع آن تحت سیطره دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز در نیامده است.

# 3 - حقوق بشر آمریکایی و تولید سلاح های شیمیایی و میکروبی

* **ادعاهای پوشالی آمریکا در مبارزه با سلاح های میکروبی و شیمیایی**

روز هشتم تیر ماه، سالروز بمباران شیمیایی سردشت، که به روز مبارزه با سلاح های میکروبی و شیمیایی نام گرفت، فرصتی را در هر سال بوجود می‌آورد تا با مروری بر جنایات دشمنان انقلاب اسلامی‌در سال های دفاع مقدس و سپس از آن، به مظلومیت ملت ایران در دفاع از آرمان های انسانی و اسلامی‌شان باز اندیشی شود و با درنگ بر دردهایی را که جانبازان عزیز و باقی ماندگان آن جنایات هولناک تاکنون متحمل شده اند، پی به دروغین بودن ادعاهای پوشالی آمریکا و متحدان او در مبارزه با سلاح های کشتار جمعی برده شود.

* **در اختیار گذاشتن سلاح های شیمیایی به عراق در جنگ تحمیلی**

وجود ده‌ها سند و پروتکل جهانی در ممنوعیت استفاده از سلاح های شیمایی، مانع از کاربرد این سلاح ها توسط رژیم صدام نمی‌شد و غربی ها بویژه آمریکائیان علاوه بر سکوت و حمایت، خود در تامین نیاز های عراق به انواع گاز های کشنده کاملا فعال بوده اند.

وی ایکس، سمی‌ترین سلاح شیمیایی، ساربن با قدرت فوق العاده خفگی و فلج کنندگی، گاز خردل، سیاه زخم، بوتولینوم توکسین، که از مرگبارترین سموم شناخته شده می‌باشد، افلاتوکسین و انواع دیگر سلاح های شیمیایی با حمایت های آمریکائیها از طریق شرکت های بین المللی با پیچیده ترین شیوه ها در اختیار صدام قرار داده می‌شد تا علیه رزمندگان جمهوری اسلامی‌ایران به کار گرفته شود.

وجود ده‌ها هزار شهید و مجروح سلاح‌های شیمیایی و میکروبی کشورمان و از جمله مازندران، نتیجه همکاری‌های تعیین‌کننده امریکا با صدام بوده که می‌توان از آن به عنوان منشور حقوق بشری امریکا از آن یاد کرد. در واقع، رنجی را که سال‌هاست مجروحان سلاح‌های شیمیایی در کشورمان و عراق می‌کشند، بواسطه تحریک، تشویق و حمایت‌های امریکا از رژیم عفلقی صدام است و مجرم اصلی در این ارتباط، امریکا و مسئولان جنایتکار این شیطان بزرگ هستند.

* **عدم تلاش برای تعطیل کردن کارخانه تولید سلاح شیمیایی در عراق**

ارائه ده‌ها مورد از مناطق شیمیایی شده ایران توسط عراق و تبدیل موارد بر شما این چنینی به صورت سند های رسمی، اگر مورد توجه آمریکائیها قرار نمی‌گرفت، کشتار مردم حلبچه عراق با بجا ماندن ۵ هزار کشته از زنان و کودکان غیر نظامی‌عراق، نتوانست مانع واکنش افکار عمومی‌جهانیان شود و حتی در مقابل اعتراضات و راهپیمایی های میلیون ها نفر در کشورها و شهرهای مختلف جهان، آمریکائیها حاضر به تعطیل کردن کارخانه تولید سلاح های شیمیایی سامرای عراق نشده و همچنان به ارسال انواع سلاح های شیمیایی و میکروبی به عراق ادامه می‌دادند.

* **سکوت مجامع جهانی در برابر استفاده صدام از سلاح های شیمیایی**

حمله شیمیایی هواپیماهای متجاوز رژیم بعث عراق به شهر سردشت در غرب ایران، به شهادت 110 نفر و مجروح شدن پنج هزار تن انجامید. با کمال تاسف، هنوز هم تعدادی از مردم مقاوم شهرستان سردشت با آثار و پی‏آمدهای این بمباران دست به گریبان هستند و در رنج و درد به سر می‏برند. به رغم ارتکاب این جنایت هولناک، مجامع جهانی هیچ اقدامی در جلوگیری از ادامه تجاوز به عمل نیاوردند، حتی آن رژیم را هم ملامت نکردند و چون گذشته بی‌‏اعتنا از کنار این حادثه گذشتند.

* **استفاده از سلاح های شیمیایی توسط آمریکا در نقاط مختلف جهان**

در سال 1763 میلادی آمریکایی‌ها سلاح شیمیایی را علیه سرخپوستان که صاحبان اصلی سرزمین آمریکا بودند، به کار گرفتند.

آمریکایی‌ها در جنگ ویتنام از 1961 تا 1971 میلادی هزاران تُن عامل نارنجی را بر روی جنگل‌های منطقه ریختند تا مخفی‌گاه ویت کنگ‌ها ر به بیابان تبدیل کنند. تحت تاثیر این ماده مهلک دی‌اکسین‌دار هنوز پس از ده ها سال، در ویتنام بچه‌های معلول به دنیا میایند.

در این 10 سال نیروهای آمریکایی حدود 20 میلیون بشکه از عامل نارنجی را در ویتنام، لائوس و بخش‌هایی از کامبوج استفاده کردند تا شورشیان نتوانند پشت درختان و گیاهان پناه بگیرند.از اثرات عامل شیمیایی می‌توان به این موارد اشاره کرد: انواع سرطان‌ها، دیابت نوع 2، بیماری‌های مادرزادی در کودکان، بیرون زدگی نخاع و بیماری‌های دستگاه تناسلی.

نظامیان آمریکایی در بسیاری از حملات خود به مناطق پرجمعیت افغانستان از فسفر سفید و همچنین سلاح های شیمیایی و میکروبی استفاده کرده اند.

در جریان جنگ میان کره و چین طی سالهای 53 – 1950 آمریکا مسئول انتشار باکتری‌های کشنده در هر دو کشور شناخته شد.

آمریکا عامل اصلی و حامی استفاده از تسلیحات شیمیایی در عراق و پروژه نسل‌کشی در این کشور بوده است. حمله شیمیایی به حلبچه در سال 1988 و کشته شدن حداقل 5 هزار شهروند کُرد یکی دیگر از جنایات شیمیایی بود که واشنگتن در آن دخالت داشت.

«ریگان» رئیس جمهور وقت آمریکا بارها «صدام حسین» را تشویق به استفاده از سلاح شیمیایی علیه ایران کرد. بطوریکه غیر از کشته شدگان حلبچه بالغ بر 20 هزار رزمنده ایرانی نیز در نتیجه استنشاق گاز سمی به شهادت رسیدند.

استفاده از سلاح های شیمیایی در جریان اشغال عراق نیز صدمات زیادی را به مردم این کشور وارد ساخت. ایندیپندنت در مطالعه ای از افزایش چهار برابری ابتلا به انواع سرطانها در میان بزرگسالان و افزایش 12 برابری ابتلا به سرطان در میان کودکان عراقی پایین تر از 14 سال خبر داد.

همچنین مهمترین جنایت آمریکا بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام گرفت. و حدود 220٬000 نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل می‌دادند .

4 - حقوق بشر آمریکایی و امپراتوری رسانه ای

* **سکوت رسانه های دنیا در برابر نسل کشی میانمار**

جنایت‌های جدیدی در طی شش ماه و نیم گذشته از سوی "بودایی‌"ها و "نیروهای امنیتی میانمار" علیه مسلمانان غرب این کشور از (ژوئن ۲۰۱۲) صورت گرفته است. به نظر می‌رسد، آنچه در "میانمار" در حال وقوع است، جنایت علیه بشریت و یک "نسل کشی" آشکار باشد که در رسانه‌های جهانی مورد توجه قرار نگرفته است. این امر می‌تواند ناشی از یک عمد باشد. کشورهای قدرتمند جهان به عنوان "جامعه جهانی" تمام توان خود از جمله توان رسانه‌ای را برای بزرگنمایی سایر بحران‌ها بکار می‌گیرند و تحولاتی که منافع آن‌ها را کمتر تأمین می‌کند، از اهمیت ساقط و نادیده می‌گیرند. مجامع جهانی و بین المللی نیز کمتر به وظایف خود در این رابطه می‌پردازند و آن‌ها هم به دلایل مختلف این موضوع را در دستور کار خود قرار نداده‌اند و این سکوت و بی توجهی باعث شده که دولت میانمار و برخی قبائل ساکن در این کشور، رفتار غیرانسانی را با مسلمانان ‌"روهنگیا" در پیش گیرند که با هیچ یک از معیارهای حقوق بشری تطابق ندارد.

* **پایان امپراطوری رسانه‌ای آمریکا نزدیک است**

امپراتوری آنگلوساکسون‌ها از یک قرن پیش با تکیه بر تبلیغات عمل کرده است، و بر این اساس بوده که ما را متقاعد ساخته که ایالات متحده «کشور آزادی» و تنها برای دفاع از آرمان‌های والای خود دست به جنگ می‌زند. ولی بحران کنونی در رابطه با اوکراین قاعده این بازی را متحول ساخته است: از این پس واشینگتن و هم پیمانانش تنها نویسندگان تاریخ و سخنرانان جهان نیستند، و دروغ پردازی هایشان توسط دولت و رسانه‌های یک دولت قدرتمند دیگر (روسیه) دائما افشا می‌شود. در حال حاضر به دلیل وجود ماهواره‌ها و اینترنت، تبلیغات آنگلوساکسون دیگر مثل گذشته نیست و کارائی خود را از دست داده است.

* **سانسور اخبار و گزارشات**

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، ایالات متحده تبلیغات را رها کرد و بجای آن برای روابط عمومی ارجحیت قائل شد. از این پس دروغ پردازیها متوقف گردید ولی دست و بال روزنامه‌نگاران را بستند تا تنها دربارۀ چیزهائی که به آنها نشان داده می‌شد بنویسند. طی جنگ کوزوو، ناتو آلستر کامپبل مشاور نخست‌وزیر بریتانیا را فراخواند تا روزانه داستان‌های آموزنده برای روزنامه‌نگاران تعریف کند. و وقتی که روزنامه‌نگاران این داستان‌ها را بازتولید می‌کردند، متفقین با طیب خاطر می‌توانستند به بمباران‌هایشان ادامه دهند. داستان ها کمتر دروغ پردازی بود و بیشتر به هدف منحرف ساختن توجهات روایت می‌شد.

* **توجیه افکار عمومی در مورد 11 سپتامبر از طریق رسانه ها**

با این وجود داستان نگاری طی 11 سپتامبر با قدرت تمام به میدان آورده شد: هدف این بود که توجه عمومی روی سوء قصد علیه نیویورک و واشینگتن متمرکز شود و کودتای نظامی که طی همان روز صورت گرفت به شکل سرّی باقی بماند : یعنی انتقال قدرت مجریه از رئیس جمهور بوش به یک مؤسسۀ نظامی سرّی و سکنا دادن تمام اعضای پارلمان در مکان محافظت شده. این تحریف افکار عمومی از جمله کار بنیامین رودز بود که امروز مشاور بارک اوباما می باشد.

* **سامانه تحریفگر افکار عمومی در کاخ سفید**

طی سال های بعد، کاخ سفید سامانۀ تحریفگر افکار همگانی را با همکاری هم پیمانان اصلی‌اش راه اندازی کرد (بریتانیا، کانادا، استرالیا و صد البته اسرائیل). هر روز این چهار دولت دستورات و به عبارت دیگر سخنرانی‌های پیش نوشته را از سوی دفتر مرکزی رسانه های سراسری دریافت می کردند تا جنگ علیه عراق و تهمت زنی علیه ایران قابل توجیه جلوه کند.

برای پخش سریع دروغ پردازیهایشان، واشنگتن از سال 1989 روی سی ان ان تکیه می کرد. با گذشت زمان، ایالات متحده یک کارتل از شبکۀ رسانه های ماهواره پایه ایجاد کرد (ال-عربیه، ال-جزیره، بی بی سی، سی ان ان، فرانس 24 ، اسکای نیوز.

* **القاء شکست به لیبیائی ها**

سال 2011 هنگام بمباران طرابلس، ناتو غافلگیرانه لیبیائی ها را متقاعد ساخت که جنگ را باخته اند و مقاومت در مقابل آنها بیهوده خواهد بود. ولی سال 2012 ناتو در بازتولید چنین روشی، نتوانست سوری ها را متقاعد سازد که دولت آنها به شکل اجتناب ناپذیری در حال سقوط است و از هم فروخواهد پاشید. این شیوۀ نبرد شکست خورد زیرا سوری ها به تحریف کاریهائی که شبکه تلویزیون های بین المللی در طرابلس صورت عملی داده بودند آگاهی داشتند و خودشان را برای رویاروئی با آن آماده کرده بودند. چنین شکستی را باید آغاز ترک تازیهای کارتل رسانه ای آنگلوساکسون تلقی کنیم.

# 5 - حقوق بشر آمریکایی و سیطره بر کشورها ( از نفوذ تا کودتا)

* **دخالت در امورداخلی کشورها به بهانه دفاع از حقوق بشر**

ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی است که، به بهانه دفاع از حقوق بشر با اتخاذ سیاست های مداخله گرایانه، به دخالت در امور داخلی دیگر کشورها می پردازد. این در حالی است که این کشور خود یکی از ناقضان حقوق بشر نه تنها در داخل این کشور بلکه در خارج نیز می باشد که در نوع خود منحصر به فرد است.

* **نقص حاکمیت دولت ها با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین**

هواپیماهای بدون سرنشین، سلاح مرگبار ایالات متحده در قرن ۲۱ است. بیش از یک دهه است که آمریکا با استقرار ۶۵۰۰ هواپیمای بدون سرنشین در خاورمیانه، به جاسوسی و کشتار غیر نظامیان در برخی از کشورها از جمله پاکستان روی آورده است. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین علیه شبه نظامیان در سال های پس از حملات ۱۱ سپمتبر ۲۰۰۱ آغاز شد؛ در سال آخر ریاست جمهوری جورج بوش گسترده حملات هواپیماهای بدون سرنشین شدت گرفت و در دولت اوباما نیز، به دلیل افت سرمایه جنگ در عراق، ابزار اصلی و اولیه دولت آمریکا در انجام عملیات جنگی در خارج مرزهای این کشور بوده اند. در حال حاضر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با هواپیماهای بدون سرنشین مسلح با موشکهای مرگبار، حداقل در پنج کشور عملیات دارد که افغانستان، پاکستان، سومالیا، یمن و لیبیا شامل آن است و برای نظارت و جاسوسی در کلمبیا، هائیتی، مکزیک، فیلیپین و ترکیه و ایران نیز مورد استفاده قرار می گیرند.

* **هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی ؛ ابزاری مسئله ساز در عرصه حقوق بشر**

یک نشریه آلمانی در تحلیلی با اشاره به نقض آشکار حقوق بشر در جریان عملیات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی که به ابزار اصلی دولت آمریکا در مبارزه با تروریسم تبدیل شده است، می نویسد: این جنگنده های آمریکایی، ابزاری مسئله ساز در عرصه حقوق بشر می باشند. نشریه "فوکوس" اضافه می کند: سالهاست که آمریکا در پاکستان با هواپیماهای بدون سرنشین، به زعم خود تروریستها را شکار می کند، اما اطلاعات موجود در این زمینه پراکنده و ناچیز است. کاملاً آشکار است غیر نظامیان نیز از قربانیان حمله های هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به خاک پاکستان هستند.

در این زمینه، فیلیپ هنسمنز، مدیر سازمان عفو بین الملل گفته است: «حتی در صورتی که آقای اوباما بار دیگر قول داده بود که در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین شفاف‌تر عمل می‌کند، اما متاسفانه این حملات همچنان ادامه دارد و هنوز در این حملات غیرنظامیان کشته می‌شوند.«

* **افزایش حملات هواپیماهای بدون سر نشین آمریکا**

بازرس حقوق بشر سازمان ملل گفته است: شمار تلفات غیرنظامیان در حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در یمن و افغانستان در حال افزایش است. بن امرسون، عنوان کرده است: در خلال سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ در افغانستان، شمار تلفات غیرنظامیان در حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی سه برابر شده است. او همچنین هشدار داده است که افزایش حملات هواپیماهای بدون سرنشین و تلفات غیرنظامیان در یمن نگران‌کننده است. وی گفته: «شرایط در یمن جای نگرانی شدید دارد. عواقب حملات هواپیماهای بدون سرنشین افزایش یافته است، به ویژه در خلال ماه‌های آخر سال ۲۰۱۳، و به همین منوال شمار تلفات غیرنظامیان نیز گسترش یافته است.«

* **حملات هواپیماهای آمریکایی نقص قوانین بین المللی است**

سازمان ملل کشتار هدفمند در حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی را نقض قوانین بین المللی عنوان کرده است. در واقع استفاده ازهواپیماهای بدون سرنشین در کشورهای دیگر نقض آشکار حاکمیت ارضی کشورها می باشد. وکشتار غیر نظامیان توسط حملات این هواپیماها، نقض آشکار حقوق بشر می باشد.

* **جاسوسی و شنود گسترده از شهروندان کشورهای جهان در آمریکا**

موضوع جاسوسی و شنود گسترده‌ آمریکا از شهروندان کشورهای مختلف جهان نیز، جزء اقدامات ضد حقوق بشری این کشور در راستای منافع خود است. واضح است که تجاوز به حریم خصوصی افراد و نفی آزادی فردی آنان، در تضاد صریح و آشکار با اصول حقوق بین الملل وحقوق بشری مورد تأکید اعلامیه‌ جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی است؛ بخاطر اینکه این رفتار آمریکا منجر به نفی حق آزادی، امنیت حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات و نفی رفتارهای توهین‌آمیز می‌گردد.

* **تجاوز به حریم خصوصی شهروندان**

ادوارد اسنودن، نشان داد که ایالات متحده آمریکا به صورت مخفیانه از قدرت نظارت که از طریق کنگره برای جلوگیری از حملات تروریستی اعطا شده بود، برای ذخیره سیستماتیک جریان عظیمی از اطلاعات شامل ایمیل‌ها، تحقیقات اینترنتی، اطلاعات تلفنی و دیگر اسناد، از شرکت‌ها و گروه‌های ارتباطی واقع در ایالات متحده یا خارج از کشور، گاهی اوقات با کمک دولت های خارجی ،استفاده کرده است. اغلب آنچه رهگیری شده متعلق به مردمی است که مظنون به هیچ خطایی نیستند، و دولت مقدار قابل توجهی از اطلاعات را برای دوره‌های مختلف زمانی حفظ کرده است.

* **کودتا 28 مرداد در ایران بر علیه مصدق**

فاصله زماني قيام 30 تير 1331 تا 28 مرداد 1332 در ایران در حقيقت مقطع شكل‌گيري و تعميق اختلافات مصدق با روحانيت و طبعاً زمان فراهم آمدن مقدمات كودتا بود. در اين مدت آمريكائي‌ها فعالانه وارد عمل شدند و پس از آنكه مطمئن شدند نمي‌توانند از راههاي سياسي، نفت از دست رفته ايران را بار ديگر به چنگ آورند، تصميم به كودتا گرفتند. انگليسي‌ها نيز با امريكائي‌ها معامله كردند و قسمتي از منافع خود را به آنها واگذار نمودند. سازمان جاسوسي آمريكا ابتكار عمل را براي انجام كودتا و ساقط كردن حكومت مصدق به دست گرفت. تشديد اختلاف ميان رهبران ملي و مذهبي كشور و نقش حزب توده به عنوان سخنگو و مجري سياست مسكو، زمينه‌ساز شكل‌گيري كودتا بود.

ابتدا در 25 مرداد كودتائي صورت گرفت كه ناكام ماند و شاه به خارج از كشور فرار كرد. با اين رويداد مصدق و اطرافيانش تصور كردند خطر برطرف شده است. به همين دليل حتي به هشدارها و تذكرات بعدي شخصيتهاي سياسي بيطرف و مستقل نيز اعتنائي نكردند. در چنين شرائطي يك روز قبل از وقوع كودتا يعني در 27 مرداد 1332 آيت‌الله كاشاني در صريح‌ترين هشدار خود،‌مصدق را از قطعي بودن كودتا باخبر كرد و حتي از فضل‌الله زاهدي به عنوان عامل كودتا ياد كرد.

اما مصدق در پاسخ به نامه آیت الله کاشانی، تنها به يك جمله «اينجانب مستظهر به پشتيباني ملت هستم» اكتفا كرد. درنتيجه كودتاي آرام عليه وي و روحانيت و مردم مرحله به مرحله به با سرمايه‌گذاري انگليس و آمريكا و هدايت سازمان «سيا» به اجرا گذارده شد.

طرح كودتا كه به نام رمز «آژاكس» خوانده شد، پس از انتخاب چرچيل به نخست‌وزيري انگليس در مهر 1331 تهيه شد و انتخاب آيزنهاور به رياست جمهوري امريكا در ماه آبان همان سال به پيشبرد اين طرح در ايران كمك شاياني كرد. اين طرح مشترك با كمك عواملي در داخل ايران از جمله برادران رشيديان، ذوالفقاري‌ها و ديگر جريان‌هاي وابسته به انگليس و امريكا كه از مرتبطين فعال دربار محمد‌رضا پهلوي بودند به اجرا گذارده شد. تا پيش از انتخابات آمريكا مقامات انگليسي طرح آژاكس را به ياري دو تن از بلندپايگان سازمان «سيا» از جمله كرميت (كيم) روزولت و ‌آلن دالس به پيش برده بودند، ليكن ‌آن را تا آغاز دوران رياست جمهوري آيزنهاور مسكوت گذارده بودند. طرح مزبور، دو هفته پس از آغاز رياست جمهوري آيزنهاور يعني از روز 14 بهمن 1331 كه يك هيأت انگليسي براي اجرائي كردن طرح به ملاقات جان فوستر دالس وزير خارجه آمريكا و برادرش آلن دالس رئيس سازمان «سيا» به واشنگتن رفت لازم‌الاجرا شد.

كودتا در فرداي صدور نامه هشدارگونه آيت‌الله كاشاني به مصدق به اجرا درآمد. اين كودتا در شرائطي به وقوع پيوست كه از آن همبستگي و حضور توده‌هاي مسلمان در صحنه كه در 30 تير به ظهور رسيده بود، خبري نبود، رهبران و بسياري از اعضاي جنبش فدائيان اسلام نيز كه در راه تحقق ملي شدن صنعت نفت مجاهدتهاي فراواني داشتند، در زندان بودند. به همين دليل حكومت مصدق در عرض چند ساعت سرنگون شد و سرلشكر زاهدي به نخست‌وزيري رسيد. شاه دوباره بازگشت و آمريكائي‌ها چنان بر ايران خيمه زدند كه تا 25 سال ايران مهمترين و مطمئن‌ترين پايگاه سياسي و نظامي آنان درجهان محسوب مي‌شد. منافع نفت كه مدتي قطع شده بود،‌دوباره به جيب كنسرسيوم كمپاني‌هاي نفتي آمريكائي و انگليسي و ساير كشورهاي غربي سرازير شد.

* **نفوذ در کشورها توسط آمریکا از طریق حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی**

آمریکائیها تکنیک های نفوذی دیگری هم چون حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی را نیز جهت نیل به اهداف خود به کار می گیرند . بنابه گفته یک دیپلمات آمریکایی مامور در پاریس، عرصه مذهبی منبعد به عنوان یکی از اولویت های اصلی نهادهای خصوصی کمک کننده به دولت آمریکا قلمداد می شود، زیرا این عرصه اهرم های نفوذی خیلی سودمندی را فراهم می کند . تصور می کنند در عرصه مذهبی، دفاع از حقوق اقلیت ها «هم چون بهایی ها» در ایران از مجازات های اقتصادی تعیین شده این کشور مؤثرتر باشد . یکی دیگر از راههای تحمیل ایده های حقوق بشر غربی به جوامع ناهمخوان با ارزشهای غرب، ایجاد تشکل هایی از ضدانقلابیون خارج نشین موسوم به اتحاد برای دفاع از حقوق بشر است . به عنوان نمونه در سال 1377 سازمانی موسوم به اتحاد برای دفاع از حقوق بشر در ایران تاسیس شد . فرج اردلان با عنوان مسؤول روابط بین الملل این تشکیلات در گفتگویی با رادیو آمریکا پیرامون این سازمان گفت: «این سازمان بعد از یورش (آشوب) پائیز گذشته دگراندیشان و روشنفکران ایرانی و ... در پائیز 1998 در شهر واشنگتن به وجود آمد . این سازمان از گروه ها و سازمان های مختلف و با تفکرات مختلف هستند که جدا از گرایش های سیاسی و عقاید اجتماعی و دینی خود با هم برای مبارزات با هر گونه نقض حقوق بشر در ایران همکاری می کنند . این تشکیلات تاکنون چند گردهمایی داشته علاوه بر آن با تمام سازمان های حقوق بشر در دنیا در تماس بوده و آنچه در جامعه ایران می گذرد را در صحنه بین المللی منتشر کرده است .

* **تلاش جهت استخدام نیروهای نفوذی آمریکا در سازمان های حقوق بشری**

سازمان دیده بان حقوق بشر علاوه بر اختصاص دادن مواردی در گزارشهای سالانه خود علیه ایران اسلامی به طور مکرر نیز بیانیه های مختلفی که مملو از اخبار کذب پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران می باشد صادر کرده است . این سازمان فقط در خصوص آشوبهای تیرماه 1378 دهها بیانیه در حمایت از آشوب طلبان و اخبار غیرواقعی منتشر کرده است، این سازمان حتی برای جمع آوری اطلاعات و اخبار، افرادی را که در کشورهای مختلف به عنوان نماینده سازمان جذب کرده است . به عنوان مثال اله هیکس (الهه شریف پور) از طریق برخی مقامات سیاسی، امنیتی آمریکا در سال 1370 جذب سازمان دیده بان حقوق بشر شد و در سال 1371 به سمت ناظر دیده بان حقوق بشر در امور ایران در بخش خاورمیانه منصوب گردید . وی بارها به ایران سفر کرده و بخشی از اطلاعات و اخبارهای این سازمان در خصوص ایران را پوشش داده است . شیرین عبادی یکی دیگر از افرادی است که به سمت نماینده داخلی این سازمان آمریکایی در امر ایران منصوب گردید . با این حال سازمان آمریکایی دیده بان حقوق بشر تنها یک شاخه از صدها شاخه از محافل آمریکایی است که برای پیشبرد منافع آمریکا در ایران و تعمیم ارزشهای غربی در سطح جهان فعالیت می کنند.

# 6 - حقوق بشر آمریکایی و صلح و امنیت جهانی

* **بازداشت بدون اتهام افراد در گوانتانامو**

بازداشت نامحدود و بدون اتهام و یا محاکمه بازداشت‌شدگان در گوانتانامو وارد دوازدهمین سال خود شده است، با ۱۶۲ نفر بازداشتی باقی مانده در مرکز ،۸۲ تن از آنها برای انتقال به خانه یا کشور ثالث توسط یک گروه ضربت بین سازمانی از سال ۲۰۰۹ پاکسازی شده اند. گرچه باراک اوباما تعهد خود در مورد بستن زندان گوانتانامو را دوباره تکرار کرده است، اما او تنها هشت تن از بازداشت شدگان را از سال ۲۰۱۱ ازاین مرکز منتقل کرده است. دو تن از آنان در ماه اوت و دو نفر دیگر در ماه دسامبر به کشور خود الجزایر بازگردانده شده اند.

در اوایل سال ۲۰۱۳ ،چند تن از بازداشت شدگان در گوانتانامو به اعتصاب غذا دست زدند .طبق گزارشات در اوج این اعتصاب، ۱۰۶ نفر به شیوه‌های مختلف در این اعتصاب شرکت کردند، که ۴۵ نفر دو بار در روز توسط لوله تغذیه می شدند. گروه‌های حقوق بشر نامه‌هایی مبنی بر اینکه تغذیه اجباری زندانیان معترض، نقض اخلاق پزشکی و هنجارهای حقوق بشر است، نوشتند: دولت به استفاده از کمیسیون‌های نظامی در گوانتانامو برای محاکمه باز داشت‌شدگان ادامه داده است. جلسات پیش از محاکمه آرام‌آرام تنها به دو کمسیون فعال منتقل شد، یکی بر علیه پنج فرد متهم به توطئه حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و دیگری بر علیه مردی متهم به توطئه بمب‌گذاری یو اس اس کول در یمن در ماه اکتبر ۲۰۰۰. عدم توانایی کمسیون برای ایجاد قوانین حمایتی از دسترسی به وکیل، ارباب رجوع و ارتباطات، در بین موارد دیگر، مانع پیشرفت امور شد. دادستان اعلام کرده که قصد دارد اتهامات را تنها بر ۷ نفر دیگر از بازداشت‌شدگان گوانتانامو وارد بداند.

مدت‌ها پس از آنکه این روند آغاز شد، دولت شروع به بررسی مجدد بازداشت شدگانی در گوانتانامو کرد که اتهامات مشخصی نداشتند؛ این امر هر چند یک یک گام مثبت برای بستن این مرکز بود، اما دستورالعمل‌ها برای تجدید نظر، موفق به حفاظت از حقوق اساسی بازداشت شدگان نشد- حقوقی مانند دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده که اساس دستگیری آنان را مشخص کند .

* **دستگیری غیر عادی و بدون طی مراحل قانونی**

پس از حملات ۱۱ سپتامبر علیه آمریکا، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا به همراه تعداد زیادی از دولت ها تصمیم گرفتند تا برنامه مخفیانه دستگیری و بازداشت را در کل دنیا اجرا کنند. دستگیری غیر عادی همان فرایند انتقال متهمان به سایر کشورها بدون طی مراحل قانونی است.

این برنامه ظاهرا برای صیانت از آمریکا بود. ولی این برنامه مردم را از حقوق اولیه ‌شان محروم کرده و شرایطی را به وجود می‌آورد که شکنجه‌های مخوف به سهولت انجام می شود. طبق این طرح مردم گاهی به اشتباه دستگیر می‌شوند.

* **عدم جبران خسارت حقوق قربانیان دستگیر شده**

تاکنون ایالات متحده آمریکا و بیشتر کشورهایی که همراه با آمریکا در این طرح شریک هستند ـ که بالغ بر ۵۰ کشور می‌باشند ـ مشارکت‌شان را انکار کرده، خسارت حقوق قربانیان را جبران نمی‌کنند و هیچ واکنشی در جهت پاسخگویی به سوء استفاده‌هایی که از این طرح می‌شود از خودشان نشان نمی‌دهند.

بر اساس برخی گزارش‌ها، حداقل ۱۳۶ نفر به صورت غیر عادی و مخفیانه توسط سی‌آی‌ای بازداشت و دستگیر شده‌اند و حداقل ۵۴ کشور بر اساس این گزارش‌ها در این برنامه سازمان سیا، مشارکت داشته‌اند. اسناد طبقه‌بندی شده حکومتی موضوع را بیشتر روشن می‌کند.

بر اساس برخی از مصوبات دادگستری آمریکا، استفاده از روش‌های شکنجه توسط سازمان سیا مجاز شمرده می‌شود.

* **بهانه عدم صدور روادید از سوی آمریکا**

عدم صدور روادید از سوی آمریکا برای سفرای سازمان ملل، نقض حاکمیت ملی و استقلال کشورهاست.

در دهه ۱۹۴۰ که سازمان ملل تاسیس شد، توافقنامه‌ای بین ترومن رییس‌جمهور وقت آمریکا با سازمان ملل منعقد شد که به این توافقنامه قرارداد مقر می‌گویند.

در متن این توافقنامه آمده که دولت آمریکا به دلیل اینکه مقر سازمان ملل در نیویورک است متعهد شده که برای تمامی دیپلمات‌ها و نماینده‌های کشورهای عضو سازمان ملل، مهمانان و اشخاصی که در مجامع و نشست‌های این سازمان شرکت می‌کنند ویزا صادر کند. در تبصره این ماده ذکر شده است در صورتی که دولت میزبان ورود فردی را مخل امنیت ملی یا او را عنصر نامطلوب بداند از صدور ویزا برای او خودداری کند.

در سال ۱۹۸۸ رییس‌جمهور وقت آمریکا برای یاسر عرفات که رییس تشکیلات خودگردان فلسطین بود ویزا صادر نکرد، اما در این مورد مشابه، سازمان ملل به دلیل آنکه آن موقع استقلال بیشتری داشت ناچار شد محل برگزاری جلسه را به سوئیس منتقل کند.

و اخیرا کنگره و سنای آمریکا قانونی خاص تصویب کردند، اما باید ببینیم که آیا این قانون به عنوان یک منبع داخلی و در محدوده مرزهای این کشور می‌تواند ناقض حقوق و تعهدات بین‌المللی آمریکا باشد؟

* **تحریم های ظالمانه بر علیه ایران**

تحریم های غرب و آمریکا علیه ایران که بر اساس تفکرات سنتی صورت گرفته، استفاده از ابزار سیاسی ،برای اعمال فشار بر ایران است، اما وقتی به محتوای تحریم ها بیاندیشید، می بینید که آثار ضد بشری متعددی به دنبال دارد. به عنوان مثال تحریم دارو ،خودداری غرب از فروش قطعات هواپیمایی به ایران ، محروم کردن کودکان ایرانی از دستیابی به بازی های کامپیوتری که اخیرا در چارچوب تحریم وزارت ارشاد صورت گرفته ،ظلم به حقوق کودکان ودر بعد ملی ظلم به حقوق شهروندان ایرانی است. ابزارهای تحریمی که با شکل ها و ظواهر متعدد نمود یافته ، نقض آشکار حقوق بشر است.

# 7. حقوق بشر آمریکایی و جنایات کشتار جمعی

اگر بخواهیم تاریخ پس از تشکیل سازمان ملل را بازخوانی کنیم شاید نتوانیم کشوری را پیدا کنیم که به اندازه ایالات کتحده آمریکا در قبال حقوق بشر احساس تکلیف کرده باشد. از طرف دیگر نیز هرگز کشوری نخواهیم یافت که به اندازه همین آمریکا اقدام به کشتار جمعی ملت های دیگر کرده باشد.مطالبه حقوق بشر و کشتار مردم عجین شده سیاست بین اللملی این کشور می باشد.در ذیل با نمونه هایی از آن آشنا خواهیم شد.

* **قتل عام سرخ پوست ها**

در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ‌هایی که به دنبال آن صورت می‌گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ‌پوستان آمریکای شمالی ایفا نمودند.پروژه عقیم‌سازی زنان سرخپوست از سال‌های نخست اشغال سرزمین بومیان آمریکا رقم خورد و تا زمان ریاست جمهوری بوش پدر نیز گزارش‌هایی مبنی بر انجام ناخواسته این عمل بر سرخپوستان می‌رسید.قتل عام سرخپوستان به شیوه‌های مختلف تا آنجا پیش رفت که به گفته رئیس یکی از قبایل، از زمان حضور کریستف کلمب تا جنگ جهانی دوم جمعیت سرخپوستان از 60 میلیون به 800 هزار نفر کاهش یافته بود.

تنها در جزیره هیسپانیکلا در سال 1492 بین 7 تا 8 میلیون بومی زندگی می کردند که این جمعیت در سال 1496 به 4 میلیون و در سال 1570 به 125 نفر کاهش پیدا کرد.

* **کشتار جمعی وحشتناک آمریکا در جنگ جهانی دوم**

در جنگ جهانی دوم (سپتامبر 1939 تا اوت 1945) حدود 52 میلیون نفر کشته شدند. به عنوان نمونه در تعدادی از این عملیات ها با حضور نیروهای آمریکایی کشتارهای عمومی و جنایات وحشتناکی به وقوع پیوست که در ادامه چند مورد را ذکر می‌کنیم:

کشتار داخائو: نیروهای آمریکایی تمام آلمانی‌های عضو وافن اس اس را که در داخائو در سال 1945 به اسارت گرفته بودند در دم تیرباران کردند.

کشتار بیسکاری: نیروهای لشکر 45 پیاده نیروی زمینی ارتش آمریکا, 75 اسیر جنگی ایتالیایی را قتل عام کردند.

کشتار شینونه: در اول ژانویه سال 1945 سربازان آمریکایی بیش از شصت اسیر جنگی آلمانی وافن اس‌اس را در نزدیکی روستای شینونه در بلژیک قتل عام کردند. مجریان این قتل عام هیچ گاه توسط دولت آمریکا محاکمه نشدند، چون معتقد بودند که «هیچ مدرکی اتهامات وارده را ثابت نمی‌کند»

* **کشتار 5 میلیون نفر در جنگ ویتنام**

نبرد ویتنام  (1955 تا 1975) پر تلفات‌ترین جنگ پس از جنگ دوم جهانى بود.

این جنگ 2/5 میلیون کشته برجاى گذاشت که بیش از 1/5 میلیون  نفر از آنها ویتنامی بودند.

تعداد بی شماری از شهروندان  غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان ارتش آمریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد تجاوز، شکنجه و قطع اعضا نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه‌قطعه شده بودند.

* **حمله به عراق و تجاوز و قتل عام مردم**

در مدت حمله آمریکا به عراق بیش از یک میلیون نفر  مستقیما به دلیل جنگ کشته شدند. این جنگ که حدود 7 سال به طول انجامید (20 مارس 2003 -19 اوت 2010) تلفات فراوانی را به مردم عراق وارد ساخت. در طول جنگ نظامیان آمریکایی از هیچ جنایتی فروگذار نکردند.

برای مثال می توان به جنایت در روستای یوسفیه اشاره کرد. که نیروهای ارتش آمریکا بعد از تجاور دست جمعی به دختر 14 ساله خانواده‌ای عراقی در روستای یوسفیه شهر محمودیه تمامی اعضای خانواده را قتل عام کردند.  (12 مارس 2006)

دولت آمریکا با استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در عراق باعث کشته شدن هزاران نفر شد و هم اکنون بسیاری از مردم عراق از عوارض ناشی از سلاح های شیمیایی در حمله به کشورشان رنج می برند.

کارشناسان عراقی بر این باورند تا سه نسل دیگر بعید است که در عراق یک انسان کامل به دنیا بیاید چراکه اثر اشعه های اورانیوم غنی شده که جنگ 1991 و 2003 در این کشور برجای گذاشت تا یک قرن باقی می ماند.

* **سرنگونی هواپیمای مسافر بری ایران و کشته شدن تمام سرنشین های آن**

در دوازدهم تيرماه 1367 شمسي برابر با سوم ژوئيه 1988 ميلادي، هواپيماي مسافري ايرباس ايران که از بندرعباس عازم دُبي بود، بر فراز آب هاي خليج فارس و در نزديکي جزيره "هنگام" مورد هجوم يگان هاي دريايي متجاوز آمريکايي مستقر در آب هاي خليج فارس قرار گرفت و سقوط کرد.اين هواپيما در زمانی که ایران در نبرد با متجاوزین بعثی که مورد حمایت شرق و غرب قرار داشت با موشک ناو جنگي وينسنس مورد حمله عمدي نيروهاي تجاوزگر و جنايت پيشه شيطان بزرگ قرار گرفت حامل 298 مسافر و خدمه بود که تمامي آنها اعم از مرد و زن و کودک و نوجوان و کهنسال با وقوع اين جنايت فجيع به شهادت رسيدند.در ميان سرنشينان هواپيما، 66 کودک زير 13 سال، 53 زن و 46 تن تبعه کشورهاي خارجي نيز بودند که کشته شدند. ساقط کردن هواپيماي مسافربري جمهوری اسلامی ايران از سوي جنايتکاران آمريکايي، در حقيقت يکي ديگر از مراحل رويارويي استکبار جهاني با ملت بزرگ ایران براي تقويت متجاوزان عراقي در جبهه هاي جنگ بود.پس از سقوط اين هواپيما، مقامات آمريکايي براي توجيه اين جنايت نابخشودني، دلايل ضد و نقيضي عنوان کردند و کوشيدند اين اقدام خصمانه را يک اشتباه قلمداد کنند. اما با توجه به مجهز بودن کشتي جنگي وينسنس به پيشرفته ترين سيستم هاي راداري و رايانه اي و همچنين مشخص بودن نوع هواپيماي در حال پرواز، مسلم شد که احتمال اشتباه وجود نداشته و اين اقدام، کاملاً خصمانه بوده است.با اين حال مقام هاي آمريکايي پس از چندي، در توهيني آشکار به ملت ايران، مدال شجاعت بر گردن ناخداي اين ناو انداختند و بدين سان حمايت رسمي خود را از اين جنايت اعلام نمودند. به هر تقدير، اين جنايت نيز در کنار جنايات بي شمار دولت آمريکا، در پرونده سياه استکبار جهاني ثبت شد و لکه ننگ ديگري بر تارک آن جنايت پيشگان نقش بست.